

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۲۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۳/۲۱

نادر شایگان فر^۱

بی‌وجه بودن تمایز مفهوم ابزار و نتیجه / هنر کاربردی و هنر زیبا در فلسفه هنر جان دیویی

چکیده

جان دیویی، فیلسوف پراگماتیست آمریکایی است که تحت تأثیر آموزش‌های هگلی دوران جوانی‌اش، بر فلسفه «کل‌گرایانه» تأکید داشت؛ فلسفه‌ای که در آن جهان به یک کل یکپارچه به نام طبیعت (Nature) تحویل می‌شود. او سعی کرد که مفهوم کل‌باورانه هگلی را با تفکر طبیعت‌باورانه داروینی درهم بیامیزد. در نتیجه چنین فلسفه‌ای در ساحت هنر نیز هر گونه تمایزی از قبیل هنر فاخر / نازل، هنر کاربردی / زیبا، هنرمند / مخاطب و ... از میان برخاسته خواهد شد. مقاله حاضر بر آن است که با تأکید بر نحوه نگاه دیویی به مفهوم وسیله - هدف بحث و نقطه نظر دیویی را در خصوص یگانگی هنر کاربردی و زیبا و در نتیجه وحدت و کلیت مفهوم هنر پیش برد. روش تحقیق در این مقاله، روش کتابخانه‌ای و شیوه کار به‌طور کلی بر درون مایه‌های منابع موجود در این زمینه استوار است. بنابراین نوشتار حاضر در نتیجه‌گیری سعی میکند از منظری خاص نتایج فلسفه زیباشناسانه جان دیویی را در کتاب هنر به مثابه تجربه در یکی از مسائل خاص زیبایی‌شناسی در اندیشه معاصر در باب تمایز میان هنر کاربردی و زیبا دنبال کند؛ چرا که با از میان رفتن تمایز هنر کاربردی و زیبا و ادغام آن در یک وحدت ارگانیک - که ریشه‌های فلسفی آن در فلسفه حیات یا زندگی جان دیویی به خوبی تبیین شده است - می‌توان زندگی، هنر و فرهنگ را در یک کلیت به هم پیوسته در نظر آورد.

واژه‌های کلیدی: تجربه، ابزار و نتیجه، هنرهای زیبا، هنرهای کاربردی، طبیعت.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، شوش، استان خوزستان.
Email: nader_sh790@yahoo.com